

فیلم‌های ایرانی نمایش داده شده در بخش مسابقه بین الملل چندان انتظارها را برآورده نکردند

هنوز همه خوابیم!

موقعی که شما دارید این مطلب را می‌خوانید، چند روز به پایان جشنواره بیست و هفتم نمانده ولی مطمئنا بخش مسابقه سینمای ایران که در همین چند روز بر گزار می‌شود، حسایی سروصدا به پا کرده و بازار گمانه‌زنی‌ها سر اینکه چه کسانی سیمرغ می‌گیرند، داغ داغ است. اما طبیعتا چون ما چند روز زودتر این ۲صفحه را جمع و جور کردیم، هنوز این بخش از جشنواره شروع نشده بود و آنچه که می‌خوانید، مطالبی را جع به فیلم ایرانی است که در بخش بین‌الملل و در ۵روز ابتدایی جشنواره اکران شدند (به جز عیار ۱۴شهبازی که تماشايش به این شماره قد نداد) که البته در بخش مسابقه سینمای ایران هم حاضر هستند. در این ۲صفحه سعی کرده‌ایم پا به پای جشنواره فیلم فجر، حرکت کنیم و شرحی از آنچه روی پرده‌ها رفته بدهیم تا در همین چند روز باقیمانده جشنواره تکلیفتان را برای تماشای فیلم‌ها در جشنواره بدانید و فردا پس فردا که این فیلم‌ها در نوبت اکران قرار گرفتند، دستتان باشد که هر فیلم چه سرو شکل و اوضاعی دارد. این روند را هفته بعد کامل‌تر ادامه خواهیم داد.

هر شب تنهایی / رسول صدرعاملی

معجون سرد

اگر یک عدد لیلا حاتمی را با یک عدد حامد بهداد قاتی کنیم ولی خوب به هم نزنیم، چه اتفاقی می‌افتد؛ یک انفجار کهکشانی رخ می‌دهد؟ به یک خلسه آرامش‌بخش می‌رویم؟برای دیدن نتیجه چنین معجون عجیب‌وغریبی، تنها راه ممکن، تماشای فیلم جدید رسول صدرعاملی «هر شب تنهایی» است؛ فقط بعد از دیدن این فیلم است که همه هیجانتان فروکش می‌کند و متوجه می‌شوید که با ترکیب هر دو ماده منفجره‌ای، لزوما یک ماده منفجره تولید نمی‌شود چون اگر مواد را خوب به هم نزنید، نتیجه می‌شود یک لیلا حاتمی همیشگی و یک حامد بهداد کنترل شده که انگار یخ را بپله بازیگری‌شان آب نشده و در دو دنیای جدا از هم دارند بازی می‌کنند.



نظر کارگردان

ما به دنبال نمایش ایمنان و اعتقاد نبودیم، ما تلاش کرده‌ایم که ایمنان و اعتقاد را در رگ و پی فیلم جاری کنیم. «هر شب تنهایی» فیلمی بدون قصه نیست این فیلم، قصه و ساختار خاص خودش را دارد.

بیست / عبدالرضا کاهانی



شادی کجایی؟

پرویز پرستویی، علیرضا خمسه، مهتاب کرامتی و حبیب رضایی. آیا ما با توجه به سابقه حضور مشترک این افراد در پروژه‌های طنز با فیلمی شبیه «مرد عوضی»، «مومیایی ۳» و «شوخی» طرفیم؟ جواب کاملاًبرعکس است؛این فیلم بیشتر شبیه سریال «زیر تیغ» و «کافه ترانزیت» است؛ به خصوص به خاطر بازی فرشته صدرعرفانی و زندگی در رستوران؛ روایت یک زندگی روزمره تلخ که در آن روابط روزانه بر روابط عاطفی غلبه پیدا کرده.

ریتم کند فیلم با وجود اینکه به جافاتدان این تلخی و ویژگی فردی افراد محدود قصه (کل ماجرای فیلم، روابط بین آنهاست که در یک رستوران کار می‌کنند) کمک می‌کند اما مطمئنا بدون حضور ستاره‌ها، یک فیلم کاملاً حوصله سر بر می‌شود. آنچه «بیست» را جذب می‌کند، جزئیات ریزی است که بازیگرها به

آن می‌پردازند؛ مثل نحوه حرف زدن یا هم و حساب بردنشان از سلیمانی، رئیس رستوران (پرستویی)، کاهانی هم این رامی‌دانسته؛ برای همین برای سومین فیلمش این همه بازیگر ستاره آورده‌والبته بیشتر کار را هم به‌دوش پرستویی انداخته.به‌همین خاطر این فیلم دلخواه عاشقان پرستویی است.

بیست با همه هجمه تلخی‌ها و عصیبت‌ها مثل روابط پرتنش زن و شوهر آشنیز (عرفانی – خمسه)،بی‌کسی مهتاب کرامتی بس‌آن گریم کر و کثیف و وسواس هولناک سلیمانی، پنهان‌کاری‌های میثم (احمدی) و بیژن (رضایی)، لحظات طنز هم در بگو مگوهایش خلق می‌کنند؛ هر چند در سکانس پایانی که لوچ‌شادی است، ضربه تلخی می‌زند.

بیست همان‌طور که روایتگر ۲۰روز تعطیلی چلوکبابی سلیمانی است، روایتگر همین تعداد و روز تلاش آدم‌های چلوکبابی برای فرار از تلخی‌وایجادشادی‌های کوچک است؛ البته روایتگر بازی‌های خوب و متفاوت، به‌خصوص بازی علیرضاخمسه که هیچ‌نشانی از طنز در آن دیده‌نمی‌شود. بیست فیلم متوسرط رو به خوبی است که روی شانه ستاره‌هایش، تماشاچی را راضی از سالن بیرون می‌فرستد.
■ احسان ناظم بکایی

نظر کارگردان

در این ۲۵ سال عمرم، خاطراتی دارم که هر کدام مربوط به یک فصل از زندگی من است. این خاطره‌ها تک تک آدم‌های این قصه بوده‌اند. روابط بین آنهاست که در یک رستوران کار می‌کنند) کمک می‌کند اما مطمئنا بدون حضور ستاره‌ها، یک فیلم کاملاً حوصله سر بر می‌شود. آنچه «بیست» را جذب می‌کند، جزئیات ریزی است که بازیگرها به



یک حالت دارد

شما «سگ‌کشی» را دوست داشتید؟ جواب شما به این سوال می‌تواند تکلیفتان را با فیلم جدید بیضایی هم مشخص کند. اگر از دوستداران فیلم سگ‌کشی بوده‌اید، شک نداشته باشید که این بار هم بیضایی می‌تواند راضی‌تان کند. داستان اصلی فیلم «وقتی همه خوابیم» هم درباره ستم‌کشی و مظلومیت و وفاداری و خوبی و ماهی و این جور حرف‌های زنان است و رد لحن پرطمطراق بیضایی را هم در کل فیلم می‌توانید پی بگیرید و حالش را ببرید.

(هیچ وقت نفهمیدم چرا بیضایی در فیلم‌هایش هم مثل نمایشنامه‌های دیروزی‌اش، از این لحن استفاده می‌کند) اما در حالت دوم، اگر شما از آن دسته بودید که سگ‌کشی به‌تان تجسیدبه، باز هم می‌توانید از فیلم جدید بیضایی لذت ببرید چون این بار بیضایی در دل آن داستان اصلی که قصه‌ای



مسعود رایگان و بهرام رادان در «زاد بوم» داوودی نقش پدر و پسر را مقابل هم بازی می‌کنند؛ پدر و پسر و که شکاف نسل‌ها از هم دورشان کرده اما به‌خاطر یک هدف مشترک دوباره با هم همراه می‌شوند

زادبوم / ابوالحسن داوودی

همه دغدغه‌های من

عزت‌الله انتظامی، رویا تیموریان و مسعود رایگان به علاوه بهرام رادان، پگاه آهنگرانی، مهدی سلوکی و یک هنرپیشه زن خوش‌چهره آلمانی به علاوه یک اسم: «زاد بوم»؛ با دیدن این اسم‌ها انتظار دارید در تازه‌ترین فیلم ابوالحسن داوودی با چه داستانی روبه‌رو شوید؟ اگر انتظار یک داستان تین‌یجری پرسرعت پرهیجان را دارید که کلاز مر حله پر تید اما اگر می‌توانید حدس بزنید با فیلمی روبه‌رو هستید که می‌خواهد حرفی بزند و پیامی بدهد و با توجه به بازیگرهایش بین دنیای مسن‌ها و جوان‌ها در حرکت است، درست حدس زده‌اید. اما مطمئنا نمی‌توانید حدس بزنید که یک کارگردان تصمیم بگیرد تمام دغدغه‌هایش درباره خانواده، شکاف بین نسل‌ها، میهن پرستی، بازی‌های سیاسی، درد دوری از وطن، فرار مغزها، زندگی‌های خانوادگی سست نسل سومی‌ها و… را در یک فیلم نشانان دهد. نمی‌توانید حدس بزنید اما این اتفاقی است که در «زادبوم» افتاده. آقای کارگردان گفته «زادبوم دکترین

نظر کارگردان

«زادبوم» را فیلمی ساده و انسانی می‌دانم. مهم‌ترین وجه فیلم، روایت از هم‌گسستگی چند نسل یک خانواده است، با این تأکید که روایت انسانی را از روایت تاریخی که با غلوهایی همراه است، جدا کنیم.

سوپر استار / تهمینه میلانی

منو «رها» کن از این حس تنهایی

اگر توقع دارید که فیلمی فمینیستی از تهمینه میلانی تماشا کنید، که در آن شهاب حسینی با چاقوی ضامن‌دار دنبال نسرین مقانلو افتاده، باید کلا تصورات ذهنی‌تان را نسبت به ماجرا عوض کنید. این بار، میلانی سراغ مظلومیت تاریخی زنان نرفته و به جای آن داستان فیلم را روی ستاره‌ای می‌گرداند که در اوج غرور و بد اخلاقی و زندگی پر از حاشیبه و مسائل آن چنانی با دختری آشنا می‌شود؛ اتفاقی که مسیر زندگی آقای ستاره را عوض می‌کند. البته پرده‌های بعدی داستان، کلیشه‌ای‌تر از آنچه تصورش را از کنید، یکی یکی می‌افتد تا به پایان جذاب فیلم است.

نکته دیگری هم که باید اضافه کرد، برمی‌گردد به اینکه نام شخصیت اصلی فیلم «شهاب نوری» بوده؛ اما میلانی آن‌قدر در فیلم با غلنگ از رویش رد شده و آن‌قدر ابعاد منفی در شخصیت او گذاشته که شهاب حسینی، زیر بار نام کوچک شهاب برای شخصیت اصلی فیلم نمی‌رود تا کسی شک نکند. این زندگی خصوصی شهاب حسینی است. شخصیت اصلی فیلم هم دختری به نام رهاست که گویا تهمینه

همشهری جوان

شماره ۲۰۱ • ۱۹ بهمن ۸۷

